



دومین
همایش

سیاسی

تلویزیون‌های ماهواره‌ای؛ از آسیب اجتماعی تا تهدید امنیتی

مهدی بیگدلو*

چکیده

سلامت اجتماعی به واسطه نقشی که در توسعه یک جامعه در ابعاد مختلف دارد عاملی مهم و موثر محسوب می‌شود. به خصوص در کشوری چون ج.ا.ایران که سلامت اجتماعی در سایه فرهنگ دینی قرار داشته و می‌توان آن را جزئی از فرهنگ اسلامی دانست. از طرفی تهاجم به فرهنگ ملی و مذهبی، به عنوان اصلی‌ترین مولفه قدرت نرم، در حقیقت کاهش توان نظام در گذر از چالش‌ها محسوب می‌شود؛ چالش‌هایی که ممکن است امنیت ملی را تحت تاثیر قرار دهد. اما آیا تشدید آسیب‌های اجتماعی در سایه تهاجم فرهنگی با استفاده از رسانه‌ها، به خصوص تلویزیون‌های ماهواره‌ای، ارتباطی با کارکرد امنیتی آن‌ها دارد؟

* کارشناس ارشد علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشکده فارابی

پست الکترونیک: mahdi.bigdeloo@yahoo.com

این مقاله با این فرضیه که این ارتباط معنادار است با گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و ارائه تحلیلی اسنادی به بررسی این ارتباط می‌پردازد و در نهایت به این نتیجه دست می‌یابد که تهاجم فرهنگی برای تشدید آسیب‌های اجتماعی در ج.ا.ایران با اقداماتی چون تسهیل ارتباط بین جنس مخالف، تضعیف هویت ملی و مذهبی، تعریف واژگانی چون آزادی و تحجر و تشویق به بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی چون Face book که از ابزارهای اصلی ارتباطی در فعالیت‌های براندازی نرم است زمینه‌ساز تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

واژگان کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، فرهنگ، رسانه، تهدیدات امنیتی، تلویزیون‌های ماهواره‌ای

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ نمونه غلبه ابعاد نرم قدرت همچون فرهنگ و ایدئولوژی بر ابعاد سخت آن بود که نظام شاهنشاهی را به زانو درآورد و نظام‌های مستقر در مجاورت ج.ا.ایران به لحاظ جغرافیایی را در هراس نفوذ این تفکر قرار داد. از این رو برنامه‌ریزی برای مقابله با این تفکر و تضعیف پایه‌های اعتقادی بلافاصله پس از استقرار کامل نظام اسلامی با ابزارهای مختلف آغاز شد. نخستین ابزار دشمنان برای مقابله با نظام اسلامی استفاده از خشن‌ترین شکل مقابله در قالب جنگ سخت بود که ترورهای گسترده مسئولین نظام و بعضاً ترورهای کور مردم سرآغاز این فعالیت‌ها بود ولی با مقاومت نظام اسلامی و ترس از بی‌آبرویی بیشتر نظام‌های سلطه در افکار عمومی جهانیان این ابزار رنگ باخت از این رو تهاجم نظامی رژیم بعث عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران با پیش‌بینی ناتوانی نظام اسلام در مقابله با این تهاجم و سقوط نظام اسلامی آغاز شد ولی با دفاع جانانه جوانان این مرز و بوم در نهایت با ناتوانی جهانیان برای تضعیف روحیه انقلابی در ایران به پایان رسید.

بعد از این اقدامات استفاده از دیگر ابزارها شدت گرفت و در اولین گام تحریم‌های اقتصادی تشدید شد ولی آنچه حاصل شد تلاش بیشتر برای حرکت در مسیر استقلال کشور بود و در نهایت آنچه همواره مدنظر غرب برای توسعه تفکر لیبرالیستی در کشورهای اسلامی بوده است با شدت بیشتری مورد توجه قرار گرفت؛ تهاجم فرهنگی یا به تعبیر مقام معظم رهبری شبیخون فرهنگی در اشکال و ابزارهای مختلف برای تاثیرگذاری بر مردم سازماندهی شد که در این میان رسانه‌ها نقش اصلی را بر عهده گرفتند. رسانه‌های نوشتاری، شنیداری و دیداری تک تک وارد عرصه فعالیت شدند هرچند هر کدام در کنار محاسن بی‌شمار، معایبی هم برای تعامل با مخاطبان داشتند. اما رسانه‌ای که در سال‌های اخیر به‌علت سهولت استفاده، گستردگی مخاطب، رعایت تنوع سلیقه‌ها و... نقش توشه‌رسان فرهنگ غرب را بر عهده دارد تلویزیون‌های ماهواره‌ای هستند که یکی از توشه‌های این فرهنگ تشدید آسیب‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران بوده که با حمایت آشکار و پنهان غرب روز به روز گسترش یافته‌اند.

فعالیت این رسانه‌ها در مسیر تضعیف فرهنگ ایرانی اسلامی با تقویت آسیب‌های اجتماعی همچون بی‌بند و باری، افزایش طلاق، روسپیگری و... اصلی‌ترین ارزش اجتماعی یعنی نهاد خانواده را هدف قرار داده تا با تاثیر بر تربیت کودکان و نوجوانان زمینه تضعیف نظام اسلامی را فراهم نمایند چرا که فرهنگ اسلامی اصول زندگی اجتماعی را نیز مدنظر داشته و اتفاقاً تاکید زیادی بر

سلامت جامعه و خانواده دارد به طوری که بسیاری از اصول فرهنگ اسلامی در حقیقت در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. اما با ناتوانی این رسانه‌ها برای دستیابی به اهداف فرهنگی - اجتماعی خود به واسطه بازتولید قدرت نرم بومی ج.ا.ایران پس از انقلاب، در کنار تلویزیون‌های ماهواره‌ای که فعالیت‌های فرهنگی را هدف اول خود قرار داده بودند شبکه‌هایی با رویکرد به ظاهر سیاسی اما امنیتی تشکیل شد تا بر پایه زمینه‌های ایجادشده در گذشته با تعریف گروه‌های اجتماعی در فضای مجازی به شیوه‌های آشکارتر به مقابله با نظام اسلامی برخیزند.

برای شناخت این تاثیرگذاری در ادامه پس از آشنایی با آسیب‌های اجتماعی در ایران، ارتباط دین و فرهنگ با آسیب‌های اجتماعی، فرهنگ به‌عنوان مهمترین ابزار قدرت نرم به تهاجم فرهنگی و نقش رسانه در مهمترین تهدیدات امنیتی (براندازی نرم) با زمینه‌سازی فرهنگی پرداخته می‌شود.

بیان مسئله

نظام اسلامی ایران بلافاصله پس از پیروزی اشکال مختلفی از تهدید دشمنان را تجربه کرده است که همگی در پی هدف قرار دادن اصل نظام و سرنگونی این نظام دینی مردم‌سالار بوده‌اند و از این تهدیدات می‌توان به تهدیدات امنیتی تعبیر کرد. برای انجام این تهدیدات ابزارهای مختلفی همچون همسویی کشورها و جامعه بین‌الملل، جذب نیروی انسانی از جامعه هدف، تاثیرگذاری بر افکار عمومی و... مورد نیاز بود که همه این اهداف به گواه تاریخ سیاسی جهان تابعی از عملیات روانی و مهمترین ابزار آن، رسانه، بوده است و از بین انواع رسانه‌ها نیز تلویزیون‌های ماهواره‌ای در سال‌های اخیر رونق فراوانی یافته و مورد توجه قرار گرفته‌اند. تلویزیون‌های ماهواره‌ای با نمایش برنامه‌های مروج بی‌بند و باری، عدم تقید اعضای خانواده به روابط سالم، بی‌اعتباری اصول اجتماعی با مفهوم آزادی، معرفی تقید به تحجر و... در پی تشدید آسیب‌های اجتماعی با تضعیف فرهنگ دینی در جمهوری اسلامی ایران هستند. از طرف دیگر در حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ تلویزیون‌های ماهواره‌ای نقشی فعال برای براندازی نرم جمهوری اسلامی ایران داشتند که بر اساس مفاهیم ساخته شده در برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی صورت گرفته است. حال این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که چه ارتباطی بین برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی تلویزیون‌های ماهواره‌ای برای تشدید آسیب‌های اجتماعی و تلاش برای تهدید امنیت ملی ج.ا.ایران با تاکید بر براندازی نرم وجود دارد؟ و آیا گسترش روزافزون بهره‌گیری از تلویزیون‌های ماهواره‌ای، جمعیت جوان کشور، بیگانگی با مفاهیم اسلامی و در نتیجه تشدید آسیب‌های اجتماعی مسائلی نیست که زمینه‌ساز تهدید امنیتی ملی در قالب براندازی نرم باشد؟

اهمیت و ضرورت

از جمله آسیب‌هایی که آثار طولانی مدتی داشته و بر دیگر اشکال آسیب در جامعه تاثیرگذار است آسیب‌های اجتماعی است. مشکلاتی چون طلاق، روسپیگری، ارتباط غیرمعارف و... از جمله این آسیب‌ها هستند که همواره مورد توجه دولتمردان در کشورهایی با هر نوع ایدئولوژی و فرهنگی قرار گرفته‌اند. در جمهوری اسلامی ایران فرهنگ دینی مشتمل بر فرهنگ اجتماعی بوده و آن را در بر می‌گیرد از این‌رو تضعیف فرهنگ جامعه در حقیقت بر تشدید آسیب‌های اجتماعی موثر بوده و متقابلاً تشدید آسیب‌های اجتماعی تضعیف فرهنگ را در پی خواهد داشت.

از سوی دیگر شکل نوین قدرت (قدرت نرم) در عصر حاضر ارزشی بیش از پیش یافته که مهمترین شاخص‌های آن همچون ذهنی بودن، طولانی مدت بودن و... نزدیکی بسیاری با شاخصه‌های فرهنگ دارد، بنابراین تضعیف فرهنگ به نوعی تضعیف قدرت را در پی خواهد داشت و با توجه به نقشی که آسیب‌های اجتماعی بر فرهنگ جامعه دارد نادیده گرفتن آن‌ها در نهایت باعث تضعیف قدرت کشور خواهد شد؛ بنابراین پرداختن به آسیب‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی است ضرورتی انکارناپذیر است.

اهداف تحقیق

- آشنایی با آسیب‌های اجتماعی و آسیب‌شناسی اجتماعی

- آشنایی با ارتباط آسیب اجتماعی با دین و فرهنگ
- آشنایی با کارکردهای امنیتی رسانه‌ها
- آشنایی با فعالیت‌های براندازانه رسانه‌ها به‌عنوان مهمترین تهدید امنیتی

فرضیه تحقیق

تهدیدات امنیتی ناشی از فعالیت تلویزیون‌های ماهواره‌ای غرب در ادامه سناریو تهاجم فرهنگی غرب برای تشدید آسیب‌های اجتماعی و تکمیل کننده آن است.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی:

آیا برنامه‌های مختلف تلویزیون‌های ماهواره‌ای (تشدید آسیب‌های اجتماعی، تهاجم فرهنگی و تهدیدات امنیتی) از سناریوی واحدی پیروی می‌کنند؟

سؤالات فرعی:

- آسیب‌های اجتماعی و آسیب‌شناسی اجتماعی چیست؟
- چه ارتباطی بین دین، فرهنگ و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؟
- فرهنگ چه جایگاهی در قدرت نرم دارد؟
- فعالیت‌های براندازانه رسانه‌های تصویری غرب (به‌عنوان هدف تهدیدات امنیتی) چه ابعادی دارد؟

متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل: تلویزیون‌های ماهواره‌ای
متغیر وابسته: آسیب اجتماعی - تهاجم فرهنگی - تهدیدات امنیتی

آسیب‌های اجتماعی در ایران

برای اینکه یک مجموعه انسانی در قالب یک کلیت تعریف شود باید هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی داشته باشد که همه جامعه به آن قائل باشند. این شاخص‌ها در واقع هویت یک جامعه را تشکیل می‌دهد که اتحاد و انسجام نتیجه آن خواهد بود. اما هرگونه خدشه به این شاخص‌ها آسیب اجتماعی خوانده می‌شود.

آسیب اجتماعی^{۲۳۴} در حقیقت به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی یا غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو می‌گردد (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۵). اما مطالعه این آسیب‌ها به‌منظور پیشگیری یا مقابله با آن‌ها امری ضروری محسوب شده که در قالب آسیب‌شناسی اجتماعی به آن‌ها پرداخته می‌شود. آسیب‌شناسی اجتماعی^{۲۳۵} در مفهوم متعارف آن مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها در کالبد و ارگانسیم اجتماعی است. به‌عبارت دیگر آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه بی‌سازمانی‌ها و نابسامانی‌هایی است که در بستر اجتماع به دلایل مختلف به‌وجود می‌آید. این اصطلاح ارتباط تنگاتنگی با واژه انحرافات اجتماعی دارد به‌طوری که حتی در بعضی موارد این دو واژه به‌جای یکدیگر به‌کار می‌روند. در واقع آسیب‌های اجتماعی محدوده وسیع‌تری را در بر می‌گیرد و شامل انحرافات اجتماعی نیز می‌شود (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۱۶۹).

اما برای آسیب‌شناسی اجتماعی باید ملاک‌های متفاوتی را مورد توجه قرار داد. یکی از این معیارها انگیزه مورد توجه در کجروی است. با توجه به اینکه در هر جامعه‌ای حداقل چهار خرده نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وجود دارد که در هر یک از

این حوزه‌ها، کنشگران فردی و جمعی می‌توانند با رعایت اصول و قواعد عمل جمعی مورد قبول در آن حوزه‌ها به چهار نوع سرمایه یا منبع ارزشمند، یعنی سرمایه فرهنگی یا دانش، سرمایه اجتماعی یا تعهد و منزلت، سرمایه سیاسی یا قدرت و سرمایه اقتصادی یا ثروت مورد نیاز هر جامعه دست یابند. هر نوع فعالیتی که خارج از چارچوب و اصول و قواعد عام عمل جمعی هر حوزه در جهت دستیابی به منابع ارزشمند آن حوزه صورت نگیرد کجروی محسوب می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۲۰). از آنجا که نظام اسلامی مبتنی بر فرهنگ بوده و فرهنگ اساس نظام را تشکیل می‌دهد و از طرفی ارتباط تنگاتنگی با کارکردهای اجتماعی دارد در این تحقیق بر نظام فرهنگی تاکید می‌شود.

در حقیقت فرهنگ قوام‌دهنده و نظام‌بخش کارکردها و ساختارهای اجتماعی است و رفتار هر یک از افراد جامعه از آن تأثیر می‌پذیرد، بنابراین باید با دقت مورد بررسی قرار گیرد تا از آن بتوان به تبیین رفتارهای بهنجار و نابهنجار در جامعه پرداخت (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶: ۲۴).

آسیب‌های اجتماعی؛ دین و فرهنگ

برای کالبد شکافی کژرفتاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی و چگونگی و چرایی پیدایی آن‌ها باید سه جنبه اساسی زندگی اجتماعی انسان‌ها یعنی ساختار، کارکرد و فرهنگ جامعه را که تا حد زیادی شکل‌دهنده رفتارهای ما هستند مطالعه کنیم. برای رسیدن به این منظور باید بدانیم که جامعه انسانی تنها مجموعه ساده‌ای از افراد نیست بلکه نظامی است که از پیوند آن‌ها نتیجه می‌شود (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶: ۲۱ و ۲۲). فرهنگ به‌عنوان جنبه اساسی زندگی اجتماعی در جوامعی که مبنای ایدئولوژیک دارند ارتباط تنگاتنگی با مذهب و دین دارد. فرهنگ در معنای عامش چیزی فراتر از دین است اگرچه نقش سازنده و مهم دین را در درون حوزه فرهنگی به هیچ وجه نمی‌توان منکر شد، بلکه برعکس نوعی «دیالکتیک» را بین این دو می‌پذیریم: دیالکتیکی که از یک طرف دین را در شکل‌دهی فرهنگ بشری مؤثر و دخیل می‌سازد و از طرف دیگر «فرهنگ» را در قالب ضرورت توجه به «مقتضیات زمانی و مکانی» وارد مباحث دینی می‌کند:

«در حالی که دین علاوه بر پرداختن به شأن جاویدان هستی آدمی، متکفل دادن جهت اساسی به جنبه متغیر زندگی او نیز هست و آهنگ اصلی حرکت او را به سوی کمال تنظیم می‌کند، این انسان است که با بینش و برداشت خاصی که از دین - البته با رعایت موازین معتبر - در زمان‌ها و مکان‌های مختلف دارد تکلیف خود را می‌شناسد» (افتخاری، ۱۳۷۷: ۷۶-۷۷) این تکلیف است که در بستر فرهنگ و دین معنا می‌یابد و وقتی «بیماری اجتماعی» پدید می‌آید که اعضای یک جامعه برای سازگاری با هنجارها و ارزش‌ها به‌طور شایسته‌ای جامعه‌پذیر نشوند (ستوده، ۱۳۸۶: ۴۷). که در نتیجه بخش‌های مختلف آن (مؤلفه‌های ساختار و فرهنگ) به طور کامل کار نمی‌کنند و مسائلی مانند جرم، خشونت، فقر، بزهکاری، وقتی روی می‌دهند که نهاد خانواده از هم گسیخته می‌گردد. اثر نهاد دین کاهش می‌یابد و نارسایی در نهادهای اقتصاد، آموزش و پرورش و سیاست مشاهده می‌شود.

بنابراین آسیب‌شناسی اجتماعی را باید با توجه به هنجارهای دینی مطالعه کرد زیرا با پژوهش‌هایی که به‌عمل آمده بین آسیب‌های اجتماعی و باورهای دینی رابطه نزدیکی وجود دارد. به‌عنوان مثال، معلوم شده است که نرخ خودکشی در کشورهای اسلامی کمتر از دیگر کشورهاست زیرا خودکشی در دین اسلام تحریم شده است (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۷). این عامل استحکام بوده که کشورهای غربی را بر آن داشت تا برای تشدید آسیب‌های اجتماعی و تضعیف باورهای دینی روی آورند از این‌رو ارزش‌های مترقی اسلامی را هدف حملات گسترده خویش قرار دادند و تهاجم فرهنگی از جمله راه‌هایی بود که برای مقابله با اقبال عمومی به ارزش‌های اسلامی در گستره جهانی به کار گرفته شد (افتخاری، ۱۳۷۷: ۸۵) چرا که این فرهنگ شیوه‌های زندگی مردم را در جامعه مشخص کرده و از باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها تشکیل شده است (ستوده، ۱۳۸۶: ۳۸).

وقتی فرهنگی در شرایط استعماری یا مورد تهاجم قرار گیرد جنبه آسیب‌شناختی به خود می‌گیرد و فرهنگ غالب سعی در انهدام ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ مغلوب می‌کند و به باور ویلیام ریورز^{۲۳۶}، مردم‌شناس انگلیسی (۱۹۲۲)، در خصوص نقش تهاجم

فرهنگی در آسیب‌های اجتماعی: «در اثر فرهنگ‌زدایی فرد فاقد هنجارهای قابل استناد برای رفتار خویش می‌شود که منجر به بروز برخی کژرفتاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی چون الکلیسم، اعتیاد به مواد مخدر، روسپیگری، خودکشی و مانند آن می‌گردد» (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶: ۲۵). با توجه به اهمیت فرهنگ، در ادامه به نقش آن در ابعاد نوین قدرت (قدرت نرم) اشاره می‌شود.

فرهنگ مهمترین ابزار قدرت نرم

قدرت ملی از هم‌افزایی مؤلفه‌هایش در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی برخاسته از مبانی و لایه‌های ارزشی حاکم بر جوامع تشکیل می‌شود؛ یعنی برآیند این فعالیت‌ها در حوزه‌های مختلف میزان قدرت ملی را مشخص می‌سازد به طوری که شدت و ضعف قدرت ملی به شدت و ضعف این مؤلفه‌ها و نوع هم‌افزایی که بین آن‌ها حاکم است بستگی دارد. از این رو، هرچه این مؤلفه‌ها از توانایی، هماهنگی و هم‌افزایی بیشتری برخوردار باشند کشور از قدرت و اقتدار بیشتری برخوردار می‌گردد (بابایی، ۱۳۸۸: ۷) و قدرت ملی افزایش می‌یابد. قدرتی که تعاریف مختلفی از آن وجود دارد:

۱. قدرت ملی توانایی‌های مادی و معنوی است که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۷۰).

۲. قدرت ملی، قدرت کامل و نفوذ بین‌المللی یک ملت هم در عرصه قدرت‌های مادی و هم معنوی است که ملت از آن برای بقا و توسعه استفاده می‌کند.

۳. قدرت ملی توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال و اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۵۶).

همانطور که در این تعاریف مشاهده می‌شود قدرت ملی دو وجه نفوذ و زور دارد؛ وجه نفوذ بیشتر جنبه ذهنی دارد و کشورها و دولت‌ها سعی می‌کنند با اعمال نفوذ بر دیگران قدرت خود را به کار گیرند و اراده خود را تحقق بخشند. وجه زور بیشتر جنبه عینی دارد و بر قدرت نظامی و ابزارهای تنبیهی متکی است که معمولاً دولت‌ها در مراحل بعدی و در صورت موثر واقع نشدن وجه نفوذ به کار می‌گیرند (روشندل، ۱۳۷۴: ۲۳). وجه نفوذ همان مولفه‌ای است که از آن به قدرت نرم یاد می‌شود و لازمه آن نفوذپذیری اجتماعی است که متأثر از فرهنگ جامعه است.

از نظر جوزف نای^{۲۳۷} اگر قدرت را کلیدی‌ترین مولفه تعیین‌کننده روابط و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل تعریف کنیم، قدرت نرم توانایی تعیین اولویت‌ها است به گونه‌ای که با دارایی‌های ناملموس مثل داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌های سیاسی و نهادی مرتبط و همسو باشد یا اینکه سیاست‌های قابل قبول با اعتبار معنوی را پدید آورد (نای، ۱۳۸۷: ۷۹). یکی از این دارایی‌های ناملموس فرهنگ ارزشی و سلامت اجتماعی است.

با بررسی عمیق ویژگی‌های قدرت نرم می‌توان به نزدیکی آن با ویژگی‌های فرهنگ پی برد که این نزدیکی فرهنگ با قدرت نرم را فراتر از یک ابزار نمایان می‌سازد زیرا فرهنگ نیز امری طولانی مدت، نامحسوس، پویا، مبتنی بر ذهنیت‌ها با بهره‌گیری از عینیت‌هاست. واژه فرهنگ^{۲۳۸} در قرن نوزدهم در رابطه با شرایط انسانی بازتولید و از آن به‌عنوان راه معنادار زندگی استفاده شد. فرهنگ نیرویی است که رفتارهای انسانی را قابل رؤیت و متمایز می‌کند و این امکان را فراهم می‌کند که بین انواع مختلفی از یک گونه رفتار تمایز قائل شویم و آن را به گروه‌های مختلف نسبت دهیم (اینگلیس، ۱۳۸۶: ۵). فرهنگ به‌مثابه یکی از اجزاء اصلی زیست جمعی بشر چنان ظرفیتی دارد که می‌توان از آن با عنوان جعبه ابزاری نام برد که قادر است به اقدامات و رفتارها شکل و سازمان دهد (عسگری، ۱۳۸۴: ۲) و در حقیقت مجموعه‌ای از آداب و رسوم، اخلاقیات، اعتقادات و ارزش‌هایی است که از طریق جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۲۱). از این رو، مطالعه فرهنگ مطالعه ارزش‌هایی است که در روایت‌های اجتماعی ما جای می‌گیرند. این ارزش‌ها ممکن است هر جایی یافت شوند؛ در مکالمات، در ساز و کار نهادها، در روابط و مبادلات معمول اجتماعی و در تصورات اخلاقی از جامعه و منتقدان، جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان یا شهروندان می‌توانند با

تفسیر و داوری درباره این ارزش‌ها به تعریف فرهنگ یک جامعه دست پیدا کنند (اینگلیس، ۱۳۸۶: ۳۷). اما این ارزش‌ها در جوامع مبتنی بر دین بیشتر ارزش‌های دینی و مکتبی هستند. در حقیقت فرهنگ در جوامع دینی نقش مهم‌تری دارد چرا که در جامعه دینی نقش تفسیری و عینی کردن اصول و احکام دینی جامعه را دارد و این نقش تا آنجا پیش رفته که حالتی متقابل و در هم تنیده یافته است به طوری که اگر اصول و احکام دینی به‌عنوان سپر فراگیرنده فرهنگ نتواند ایفای نقش کند، فرهنگ دچار مرگ خواهد شد، جامعه به‌سوی فرهنگ‌ها و مبانی فکری دیگر گرایش یافته و هویت و ماهیت اصلی خود را (به‌عنوان شخصیت اصلی) از دست داده و در فرایندی منجر به تهاجم فرهنگی و جذب فرهنگ‌ها و ارزش‌های دیگر خواهد شد (درکی و غلامپور، ۱۳۸۵: ۳۲۹). دین با تکیه بر فطرت انسان و بنیان‌گذاری ارزش‌ها و هنجارهای خاص و استقرار فضایل بارز از بیرون توسط شرع و از درون توسط فطرت انسانی با نمود اخلاقی بستری می‌سازد که فرهنگ در آن بیابد. از این‌رو تضعیف فرهنگ در این اینگونه جوامع در حقیقت تضعیف ایدئولوژی کشور (مهمترین شکل قدرت نرم) خواهد بود. اما آنچه با توسعه فناوری به‌عنوان یک ابزار اثرگذار برای تهاجم فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته رسانه‌ها هستند که به‌واسطه کارکردهای مختلف توسط استعمارگران غربی بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند.

رسانه و آسیب اجتماعی

اصطلاح رسانه از لغت لاتینی مدیوس^{۲۳۹} به معنی میانه^{۲۴۰} ریشه گرفته و به مفهوم مجرای است که از حیث انتقال و نمایش اطلاعات ویژگی‌هایی داشته و هر رسانه از بخشی از آن برخوردار است. رسانه‌های ارتباط جمعی^{۲۴۱} معمولاً ابزارهایی سازمان یافته و به تعبیری تخصصی هستند که با استفاده از آن‌ها می‌توان به سرعت و به‌گونه‌ای مؤثر به گروه‌های متنوع اما ناآشنایی از مخاطبان دسترسی پیدا کرد (حکیم‌آرا، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

رسانه یا رسانه جمعی در معنای وسیع شامل تمام وسایل ارتباطی است که در سطحی گسترده به انتشار اطلاعات، اخبار، عقاید و نظرات می‌پردازد. این وسایل که تنوع فراوانی دارند (مانند روزنامه، مجله، کتاب، تلویزیون، شبکه‌های رایانه‌ای و...) از ابزارهای کنترل اجتماعی تلقی می‌گردند (ره پیک، ۱۳۸۱: ۲۴۴) که از منظرهای مختلفی تقسیم‌بندی شده‌اند.

استویر^{۲۴۲} رسانه‌های مختلف را برحسب سه سطح از تعامل به گونه زیر دسته‌بندی کرده است:

۱. رسانه‌های جمعی با تعامل پایین شامل روزنامه، فیلم، رادیو و پخش تلویزیونی
۲. رسانه‌های جمعی با تعامل متوسط شامل تله‌کنفرانس و پست الکترونیک
۳. رسانه‌های جمعی با تعامل بالا شامل بازی‌های ویدئویی، اینترنت و شبکه‌های چند کاربری و تلویزیون تعاملی (حکیم‌آرا، ۱۳۸۴: ۲۳۵).

رسانه‌ها با هر سطحی از تعامل کارکردهای مختلفی دارند که از جمله می‌توان به کارکرد فرهنگی و اجتماعی و تاثیرگذاری بر فرهنگ عمومی، کارکرد سیاسی و بهره‌گیری از آن توسط دولتمردان و سیاستمداران، کارکرد اقتصادی و بهره‌گیری از تبلیغات گسترده اقتصادی و ایجاد بازار مصرف و... اشاره کرد اما آنچه بیش از گذشته به‌عنوان کارکرد اصلی رسانه خودنمایی می‌کند و شاید دیگر کارکردها را نیز به نوعی متأثر ساخته است کارکرد فرهنگی، اجتماعی و امنیتی است که در این مقاله بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های اثربخش رسانه‌ها در زمان حاضر تاثیری مضاعف داشته و توسعه پهنه رسانه‌ها منجر به توسعه مشابه فضای عمومی شده است (اکسفورد و هاگینز، ۱۳۸۷: ۱۶۳) و متقابلاً در فرهنگ کلیدواژه‌های ارتباطات واژه زمینه^{۲۴۳} مترادف با زمینه اجتماعی^{۲۴۴} دانسته می‌شود و دو مفهوم نزدیک به هم دارد:

- 239 . Medius
- 240 . Middle
- 241 . Mass media communication
- 242 . Steuer
- 243 . Context

- ۱) شرایط خاص محیطی و اجتماعی که کنش‌های متقابل و فراگرد ارتباطی را در بر گرفته و با آن حالت بده و بستان^{۲۴۵} دارد.
- ۲) وضعیت تاریخی و اوضاع سیاسی- اجتماعی که رویدادها و اعمال خاصی را معنی می‌بخشند (محسنیان‌راد، ۱۳۸۷: ۱۲۸) از میان کارکردهای متنوع رسانه‌ها، ساترلند^{۲۴۶} در سنت جامعه‌شناسی و در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی، آسیب اجتماعی را به حوزه ارتباطات وارد کرده و نقش رسانه را در آسیب‌های اجتماعی اینگونه برمی‌شمارد:
 - ۱- رفتار کجروانه (یا جنایتکارانه) یادگرفتنی است.
 - ۲- رفتار کجروانه در کنش متقابل با اشخاص دیگر و در یک پروسه ارتباطاتی فرا گرفته می‌شود.
 - ۳- بخش اصلی فراگیری رفتار کجروانه در درون گروه‌های صمیمی اتفاق می‌افتد.
 - ۴- زمانی که رفتار کجروانه فرا گرفته می‌شود، این فراگیری شامل فنون ارتکاب جرم و جهت‌گیری ویژه انگیزش، غرایز، استدلال‌ها و نگرش‌ها می‌شود.
 - ۵- جهت ویژه انگیزش‌ها و غرایز از طریق تعریف‌هایی فرا گرفته می‌شود که نشانه‌های قانونی، یعنی چه چیزی مساعد و چه چیزی نامساعد است، ارائه می‌کنند.
 - ۶- یک فرد به خاطر تفوق تعریف‌های مساعد در شکستن قانون بر تعاریف نامساعد در شکستن قانون کجرو می‌شود.
 - ۷- وابستگی‌های افتراقی (تفاوت در ارتباطات) می‌تواند از لحاظ فراوانی، استمرار، اهمیت و فشردگی تغییر کند.
 - ۸- روند فراگیری رفتار کجروانه از طریق ارتباط با الگوهای کجروانه یا ضد کجروانه نیازمند دخالت همه مکانیسم‌هایی است که در هر نوع روند فراگیری دیگری نیز دخالت دارند (کوشی، ۱۳۸۷: ۱۳۸-۱۳۹).اما در این کارکردهایی که ساترلند برای رسانه‌ها برمی‌شمارد بیشترین اثر را رسانه‌های تصویری و در کشور ما تلویزیون‌های ماهواره‌ای ایفا می‌کنند چرا که از اشکال مختلف اثرگذاری بهره می‌برند.

تلویزیون‌های ماهواره‌ای

تلویزیون به دلیل ویژگی‌هایی همچون عمومی بودن، داشتن مخاطب فراوان، دسترسی آسان، جذابیت و چند رسانه‌ای بودن در بین رسانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است (ره‌پیک، ۱۳۸۱: ۲۵۸) و به‌عنوان توشه‌رسان فرهنگ عامه وسیله‌ای برای آموزش و آگاهسازی و وسیله‌ای برای تبلیغ با رسانه‌های متعدد دیگر پیوندهای محکمی دارد (دور، ۱۳۷۴: ۱۴) که این اهمیت را رهبر کبیر انقلاب (ره) هوشمندانه بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می‌دهد و ضمن تأکید بر کارویژه‌های رسانه‌ها در خصوص سازمان صدا و سیما به‌عنوان متولی فعالیت رسانه‌ای می‌فرماید: «از اولی که رادیو و تلویزیون در اختیار جمهوری اسلامی واقع شد راجع به آن نگرانی داشتم برای اینکه یک سازمانی است که اگر خوب باشد، مملکت ما خوب می‌شود و اگر فاسد باشد، ممکن است که بسیار فساد ایجاد کند.» (رزاقی، ۱۳۷۷: ۱۹).

در اولین برداشتها از نقش اجتماعی وسایل ارتباط جمعی همچون تلویزیون و کارکرد آن (به تأسی از لاسول، ۱۹۴۸) سه نقش خبری؛ اطلاع‌رسانی، راهنمایی و رهبری و آموزش برای رسانه‌ها قائل بودند (حکیم‌آرا، ۱۳۸۴: ۲۰۹). این کارکردها پس از تاسیس تلویزیون‌های ماهواره‌ای گستره وسیع‌تری را شامل می‌شد که کشورهای ابرقدرت در پی بهره‌گیری از آن برای اثرگذاری بر افکار عمومی کشورهای هدف خود بودند و نقش این رسانه‌ها با تشدید آسیب‌های اجتماعی و تهاجم فرهنگی آغاز و تا تبدیل به ابزاری برای زمینه‌سازی تهدیدات امنیتی (به‌عنوان نمونه براندازی نرم) پیش رفت. به‌طوری که شبکه‌های pmc، manoto، farsil و GEM و... با هدف تضعیف باورهای خانواده همچون ارتباطات آزاد زن و مرد، بی بند و باری فرزندان و... و با حمایت غرب فعالیت

خود را در سال‌های گذشته آغاز نمودند. اما حمایت غرب در سال‌های اخیر با تغییر رویکردی مواجه شد به طوری که بیشتر بر حمایت از تلویزیون‌هایی که در مسیر براندازی نرم ج.ا.ایران فعالیت می‌کنند تاکید شده است.

یکی از این تلویزیون‌ها تلویزیون بی.بی.سی فارسی بود که در سال ۱۳۸۵ توسط وزارت خارجه انگلیس پیشنهاد و در سال ۱۳۸۶ این پیشنهاد پذیرفته شد. مقدمات ایجاد این شبکه پس از تعیین بودجه سالانه برای آن مهیا گردید و سرانجام ۲۵ دی ۱۳۸۷ و چند روز بعد از هفتاد سالگی رایو فارسی بی.بی.سی فعالیت آن آغاز شد و در نخستین برنامه‌ها به موضوع انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران پرداخت؛ موضوعی که در آن زمان برای مخاطبان عام چندان غریب نمی‌نمود اما بعد از انتخابات و بروز و وقایع اغتشاشات معلوم شد تاسیس این تلویزیون به این سادگی‌ها هم نبوده است و اهداف خاصی برای آن پیش‌بینی شده بود.

بودجه سالانه تلویزیون فارسی بی.بی.سی پانزده میلیون پوند (برابر با ۲۲ میلیون دلار) است که این مبلغ از سوی وزارت خارجه بریتانیا تأمین می‌شود. البته این بودجه رسمی آن است و با توجه به گستردگی برنامه‌ها و نوع کار آن بودجه بیشتری باید داشته باشد که احياناً توسط دستگاه‌ها و نهادهای دیگری به صورت مخفی تأمین می‌گردد.

اکنون بیش از یک‌سال است که بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا با تقبل هزینه‌های سنگین تلویزیون فارسی‌زبان را راه انداخته تا بتواند هرچه بیشتر بر افکار عمومی جامعه ایران تاثیر بگذارد و انفعال ذهنی هرچه شدیدتری را به بینندگان آن تحمیل کند (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۳ و ۲۴). این تاثیرگذاری در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ بیشتر در راستای براندازی نرم در ج.ا.ایران بود. بنابراین با توجه به سابقه تاریخی رسانه‌های غربی در کنار کارکردهای جدید می‌توان دو کارکرد عمده فرهنگی-اجتماعی و امنیتی را برای رسانه‌های غربی به‌طور اعم و تلویزیون‌های ماهواره‌ای به‌طور اخص تصور نمود.

رسانه‌ها و تهاجم فرهنگی

هرچند فرهنگ‌سازی یا تغییر فرهنگ متأثر از مولفه‌های مختلفی است ولی در یک جمع‌بندی کلی اثرگذاری همه آن‌ها و امدار بهره‌گیری مناسب از ابزارهای رسانه‌ای بوده است و هر تغییر عمده‌ای در چگونگی بازنمایی و انتقال اطلاعات، تغییر پارادایمی همایند در نظام‌های فرهنگی را با خود دارد به طوری که رادیو، سینما و تلویزیون در قرن بیستم پیدایش یک فرهنگ عامه جهانی را با خود به همراه داشته‌اند (دانسی، ۱۳۸۷: ۳۸) و از آنجا که نگاه به تبلیغ از منظر قالب رسانه‌ای، آن را به عنوان ابزار مدیریت افکار و نگرش‌ها مطرح می‌کند در طول دو سه قرن اخیر، صاحبان قدرت همواره اصرار ویژه‌ای برای در اختیار گرفتن رسانه‌ها داشته‌اند. چرا که فرهنگ‌سازی و انتقال ارزش‌ها از جمله نقش‌هایی است که به رسانه‌های جمعی به‌عنوان ابزار ارتباطی نسبت داده‌اند (حکیم آرا، ۱۳۸۴: ۷۴) و می‌تواند تأمین‌کننده نیاز هویتی افراد جامعه بوده و در نهایت امنیت فرهنگی-اجتماعی را در پی داشته باشد چرا که امنیت فرهنگی - اجتماعی برجسته‌ترین چهره و درونی‌ترین لایه امنیت هستی شناختی یک جامعه است و بر «نوعی احساس تداوم در رویدادها، حتی آن‌هایی که به طور مستقیم در حوزه ادراک شخصی قرار ندارند» دلالت دارد. بنابراین، امنیت هستی‌شناختی نشان از یک نیاز فردی دارد؛ نیاز به اطمینان از تداوم هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود (میری آشتیانی، ۱۳۸۲: ۱۴) اما آنچه این شکل امنیت را متأثر می‌سازد آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی است که جامعه ما را نیز متأثر ساخته است.

در جامعه امروز با انواع مسائل و آسیب‌های فرهنگی-اجتماعی نظیر اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، پرخاشگری و جنایت، خودکشی، فرار کودکان از منزل، تکدی، روسپیگری سر و کار داریم که در مجموع آینده این کشور را از لحاظ سلامت محیط و احساس امنیت جانی، مالی، تعاملاتی و فکری تهدید می‌کنند (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۲۳).

کارکرد امنیتی رسانه

با جهانی شدن ارتباطات و پیدایش و گسترش ماهواره‌ها و اینترنت در عمل مرزهای جغرافیایی از بین رفته و با پخش فرامرزی اصل حاکمیت دولت‌ها نادیده گرفته شده است. اینگونه است که مواجه کردن نظام‌های سیاسی با بحران مشروعیت و مقبولیت در افکار عمومی، زیر سؤال بردن کارآمدی آنان، بی‌اعتماد ساختن مردم نسبت به مسئولان و رسانه‌های خودی و اختلال در نظام ارتباطی دولت - ملت از شیوه‌های رایج و جدید تضعیف و حتی سقوط دولت‌ها شناخته می‌شود.

از این رو مبتنی بر کارکرد افکار عمومی اگر در قرن‌های گذشته رهیافت قدرت استعمارگران رهیافت سخت‌افزاری (تهدید نظامی، جنگ و اشغال نظامی) بود، با شروع عصر ارتباطات، رسانه و دیپلماسی عمومی قدرت نرم مکمل قدرت سخت گردید (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷: ۴۰) با این استدلال که متقاعد ساختن یک نفر به پیوستن به شما بسیار ارزان‌تر از کشتن او تمام می‌شود و کلمات بسیار کم هزینه‌تر از گلوله‌های تفنگ هستند تا چه رسد به گلوله‌های توپ و بمب‌ها. از سویی نیز با کشتن آن شخص شما تنها دشمن را از داشتن یک سرباز محروم می‌کنید حال آنکه اگر او متقاعد شود به نیروهای شما بپیوندد، هم به ضرر دشمن و هم به نفع شماست و این به معنای کسب دو امتیاز با یک حرکت می‌باشد (ضیایی پرور، ۱۳۸۷: ۴۹).

به همین دلیل امروزه بحث از امپریالیسم خبری، تراست‌های اطلاعاتی، کارتل‌های رسانه‌ای یا استعمار فرهنگی به ویژه در پرتو انقلاب اطلاعاتی رواج گسترده‌ای پیدا کرده است. خبرگزاری‌ها و رسانه‌های جمعی جهانی با اتکاء به قدرت فناوری خود به ارائه چهره‌های مخدوش از برخی حکومت‌ها، فرهنگ‌ها، اقوام یا ادیان می‌پردازند و به شکلی نظام‌مند در ایجاد بحران، جهت‌دهی به افکار عمومی جهانی و شکل‌گیری عقاید، گرایش‌ها و رفتارهای موردنظر خود تلاش می‌کنند (اسمیت، ۱۳۶۴: ۵۹)؛ ابزاری که کنترل آن به باور رابرت فاکس در اجلاس برگزار شده توسط مرکز سایما^{۲۴۷} با عنوان «نقش رسانه‌های نوین در دهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران» با همه ضعفی که دارند برای دولت‌ها بسیار دشوار خواهد بود.

وی با اشاره به ایفای نقش مهم رسانه‌های نوین در انتخابات و تظاهرات ایران با تأکید بر اینکه در بسیاری از کشورها رسانه‌های اجتماعی و به ویژه رسانه‌های متمرکزی مانند یوتیوب^{۲۴۸}، فیس‌بوک^{۲۴۹} و فلیکر^{۲۵۰} کنترل می‌شوند اظهار داشت: «... در آینده دولت‌ها برای کنترل رسانه‌های جدید با کشمکش‌های جدی روبه‌رو خواهند بود. به دلیل طبیعت غیرمتمرکز برخی از این وسایل مانند تویتر و اس‌ام‌اس برای دولت دشوار است که بتواند این منابع ویژه اطلاعاتی را کنترل کند که در صورت ادامه کنترل رسانه‌ها توسط دولت با واکنش شدید افکار عمومی مواجه خواهد شد...» (دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۹: ۳۷)

اما کشورهایی که در پی براندازی و تضعیف حاکمیت دولت‌ها هستند تلاش دارند هزینه این کنترل و نظارت را تا حد ممکن افزایش دهند و تسهیل بهره‌گیری از رسانه‌ها برای ضربه به کشورهای دیگر از سیاستی پنهان به سیاستی آشکار تبدیل شده و ایالات متحده آشکارا از آن بهره‌برداری می‌نماید به طوری که خانم هیلاری کلینتون، وزیر خارجه ایالات متحده، با اعلام اینکه سایت تویتر (به‌عنوان یکی از رسانه‌های نوین) هدیه‌ای به معترضین ضد حکومت جمهوری اسلامی است به آن‌ها تأکید می‌کند که از فضای اینترنت حداکثر بهره‌برداری را بنمایند و کاخ سفید به مسئول سایت تویتر ابلاغ می‌کند در طی دوران انتخابات به‌منظور بهره‌برداری کاربران ایرانی تسهیلات بیشتری را در اختیار معترضین قرار دهد و این سایت حتی برای تنظیمات فنی قطعی نداشته باشد.

و از طرفی تمام امکانات رسانه‌ای خود را برای فعالیت در این حوزه فعال می‌کنند به طوری که شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و اینترنتی موسوم به VOA, BBC و Persian Radio (رادیو اسرائیل) به‌صورت زنده صحنه‌های مختلف تجمعات و تماس تلفنی افرادی از داخل تجمعات با این رسانه‌ها را پخش کردند و حملات گسترده‌ای توسط تیم‌های هکری خارجی و داخلی به سایت‌های اطلاع‌رسانی با طراحی نرم‌افزارهای هکری خاص در اینترنت منتشر و سازماندهی شد (شاهدی، ۱۳۸۹: ۲۸). از این رو رسانه‌ها با توجه به کارکرد امنیتی خود می‌توانند ابزار اصلی براندازی نرم به‌عنوان مهمترین تهدید امنیتی محسوب شوند.

براندازی^{۲۵۱}؛ مهمترین تهدید امنیتی

امروزه در مفاهیم امنیتی از جمله امنیت ملی سخن از این واژه به‌عنوان نوعی تهدید به میان آورده شده است. با در نظر داشتن تعریف ریچارد اولمان^{۲۵۲} از تهدیدات امنیت ملی: «تهدیدات امنیت ملی اقدام یا سلسله رویدادهایی است که به شکل موثر و در

247 . Center for International Media Assistance (CIMA)

248 . Youtube

249 . Facebook

250 . Filcker

251 . Subversion

دوره زمانی نسبتاً کوتاهی خطر افت کیفیت زندگی برای ساکنان یک کشور را پیش آورد و با خطر جدی کاهش طیف خطمشی‌هایی که حکومت یک کشور، با واحدهای غیرحکومتی خصوصی موجود در یک کشور (اشخاص، گروه‌ها و شرکت‌ها) می‌توانند میان آنها دست به انتخاب زنده همراه باشد». کاهش طیف خطمشی‌ها را می‌توان کاهش گزینه‌های انتخابی یک کشور در تصمیم‌گیری‌های راهبردی به‌منظور پیشبرد منافع معنا نمود (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۳) که منافع نیز شامل ابعاد اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است و ارتباط بین تهدید و این مؤلفه‌های امنیت ملی همچون امنیت اقتصادی، امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی و اجتماعی کاملاً مشخص است. در واقع هر جا که این مؤلفه‌ها تهدید شود به نوعی امنیت ملی تهدید شده و رنگ و بوی براندازی از آن مشخص می‌گردد.

براندازی را می‌توان راهبردی دانست که دولت‌ها و مخالفانشان در قبال یکدیگر اتخاذ می‌نمایند ولی هدف اصلی آن در حقیقت تضعیف دولت به‌منظور ناتوان ساختن آن در دستیابی به اهداف ملی و انجام کار ویژه‌هایش است به‌طوری که این مسیر تا بدانجا پیش رود که باعث کاهش کارایی و اقتدار دولت در بین مردم شده و در نهایت سرنگونی حکومت را در پی داشته باشد. آنچه که از واژه براندازی در اذهان متبادر می‌شود این است که مفهوم براندازی همواره با تغییر حکومت معنی پیدا می‌کند به همین دلیل همواره با واژه قدرت و سیاست عجین شده و بدون آنها کاربردی ندارد. براندازی فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که برای تضعیف توان سیاسی، اقتصادی، نظامی، روانی و اخلاقی یک ملت یا حاکمیت طراحی می‌شود و نیز می‌تواند وفاداری افراد را در دولت یا حاکمیت تضعیف نماید که با توجه به ایفای نقش فرهنگ اسلامی در جمهوری اسلامی به‌عنوان مرکز ثقل قدرت نرم نظام، تضعیف این مولفه در حقیقت تضعیف نظام در مسیر براندازی خواهد بود.

از آنجا که براندازی جلوه‌ای از تهدید امنیتی است می‌توان سه بخش اساسی آن را مورد توجه قرار داد؛ «کارگزار یا عامل تهدید»^{۲۵۳}، «حوزه تهدید»^{۲۵۴} و «موضوع تهدید»^{۲۵۵}. عامل تهدید در واقع هویت (شخصی یا سازمانی) یا چیزی است که به‌طور بالفعل یا بالقوه توانایی ایجاد، انتقال یا پشتیبانی از تهدید را دارد و با توجه به این توضیح براندازی شامل عواملی چون افراد، سازمان‌ها و کشورهای برانداز است که به‌عنوان عاملان تهدید در کشورهای مختلف ایفای نقش می‌کنند. حوزه تهدید هویت یا چیزی است که موجودیت یا دارایی‌های حیاتی آن در معرض خطر قرار گرفته است و در براندازی با شناسایی حوزه تهدید و ویژگی‌های این حوزه است که برنامه‌ریزی برای فعالیت در داخل یا خارج کشور صورت می‌پذیرد و در نهایت موضوع تهدید وضعیت، پدیده، فعالیت یا رخدادی است که به نظر می‌رسد قابلیت‌های درونی و بیرونی انتقال، پشتیبانی یا ایجاد خطر در موجودیت یا دارایی‌های حیاتی بازیگر مورد آماج را در خود دارد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۱) و گروه‌ها یا تشکیلات براندازی تلاش بسیاری برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها می‌نمایند چرا که این فرصت‌ها هزینه آنها را برای براندازی به‌شدت کاهش می‌دهد و فرهنگ و شبکه‌های اجتماعی از موضوعاتی است که به‌عنوان دارایی‌های اصلی ج.ا.ایران مورد توجه عاملان براندازی قرار دارد و از آنجایی که این مولفه‌ها نرم‌افزاری هستند نوع تهدید نیز تهدید نرم خواهد بود. به‌عبارتی براندازی نرم^{۲۵۶} را اساساً می‌توان نوعی تهدید آن هم در بالاترین شدت آن دانست.

اولین سؤال در خصوص تهدید نرم این است که موصوف نرم چه تغییراتی را در عناصر اصلی تهدید به جای می‌گذارد؟ این که تهدید نرم یا سخت نامیده شود بستگی به تحولات دارد که در گذر زمان در یکی از این عناصر (عامل تهدید، ابزار تهدید و هدف مورد تهدید) نسبت به تهدید سخت ایجاد شده است. به طور مثال اگر ابزار تهدید بر خلاف تهدید سخت که ابزارهای نظامی، خشن، زور و اجبار است به ابزاری غیر از ابزارهای خشونت‌آمیز و اجبارآمیز همانند رسانه‌های مختلف نوشتاری، شنیداری و دیداری تغییر یابد ماهیت تهدید مورد بحث تهدید نرم خوانده می‌شود. حالت دوم اینکه اگر عنصر هدف و قلمرو مورد تهدید دچار تحول شود یعنی به

- 252 . Richard Olman
- 253. Threat Agent
- 254. Region Threat
- 255. Subject Threat
- 256 . Soft subversion

جای موضوعات سخت مانند (تصرف و تعرض به قلمرو سرزمینی، قتل و کشتار انسان‌ها، انهدام مراکز اقتصادی و تجاری و...) موضوعاتی هدف قرار گیرند که جنس سخت‌افزاری ندارند از قبیل فرهنگ، هویت اجتماعی، مشروعیت سیاسی، مشارکت سیاسی، افکار عمومی، ارزش‌ها، هنجارها، ذهنیت‌ها و... در این حالت نیز تهدید نرم قلمداد می‌شود. یعنی در واقع تغییر و تحول در ماهیت هدف است که ماهیت و جنس تهدید را تعیین می‌کند و آن را به دو دسته تهدید نرم یا تهدید سخت تقسیم می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت لازمه اینکه تهدیدی در زمره تهدیدات نرم قرار گیرد این است که حداقل یکی از عناصر آن (ابزار یا هدف) از جنس نرم باشد و ارزشی از ارزش‌های امنیت ملی را نیز تهدید کند. خالص‌ترین نوع تهدید نرم نیز زمانی است که هر دو عنصر مذکور از جنس نرم باشند (گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۸۰) در همین راستا تهدیدات دشمن در درجه اول بر نامطلوب جلوه دادن وضعیت موجود و در سوی دیگر ناممکن بودن دسترسی به وضع مطلوب و گسترش ناامیدی به منظور تاثیرگذاری بر افکار عمومی و تغییر ذهنیت‌ها، هنجارها و ارزش‌ها استوار است. اما مرجع تهدید نیز آحاد مردم و توده‌های یک جامعه است و چنانچه نارضایتی در میان توده‌ها گسترش یابد، امکان شکل‌گیری یک هویت مقاوم فراهم خواهد شد. در مرحله دیگر که نارضایتی‌ها توسعه یافت، تهدیدات دشمن معطوف به هدف شکل‌دادن به هویت مقاومت است؛ یعنی جمعی از افراد که به یک خودآگاهی درونی در خصوص مشترک بودن خواسته‌ها رسیده‌اند. تهدید در این مرحله در ایجاد باور، خودآگاهی و تقویت انگیزه‌ها در جهت شکل‌دادن به جنبش‌ها و جریان‌های تشکل‌یافته در درون هویت مقاومت و معطوف به سازماندهی چنین تشکل‌هایی است. در مرحله نهایی چنانچه هویت مقاومت شکل بگیرد و بر اساس آن تشکل‌ها و جنبش‌ها ظاهر شوند، تهدیدات دشمن به تحریک چنین حرکت‌هایی جهت ایجاد ناامنی در چارچوب مواردی مانند اغتشاش، شورش و اعتصاب معطوف خواهد شد (گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۵۸).

در واقع برای تبیین تهدید نرم باید از الگوی نبرد اطلاعات در مدل سن تزو^{۲۵۷} یعنی فریبکاری، غافلگیری، اطلاع‌رسانی غلط، القاء و متقاعدسازی بهره‌برداری نمود و نه مدل کلازویتری^{۲۵۸} که بر تخریب فیزیکی متکی است. تهدیدات نرم در حوزه رهیافت نبرد اطلاعات، چند بعدی و تا حدودی پیچیده است و ماهیت دینامیک و تعاملی تهدید، دفاع در مقابل آن را بسیار چالش برانگیز و مشکل می‌سازد. در این چارچوب تهدیدکننده و تهدیدشونده در نبردی از اندیشه و منابع اطلاعات قرار دارند که در آن تهدید کننده همواره دارای برخی مزیت‌های ذاتی است. به‌طور مثال تهدید کننده می‌تواند از مزیت زمان، مکان، رسانه‌ها و شیوه حمله بهره ببرد (گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۶۶)

با مروری هرچند مختصر بر فعالیت‌های صورت گرفته در کشورهایی که در آن‌ها براندازی نرم صورت گرفته می‌توان دریافت که براندازی نرم یا انقلاب رنگین در حقیقت انقلاب‌های رسانه‌ای هستند و جریان رسانه‌ای غرب را باید در بستر چنین انقلاب‌هایی ارزیابی کرد.

بدون حضور رسانه‌ها وقوع چنین انقلاب‌هایی امکان‌پذیر نیست و فعالیت‌های رسانه‌ای در این عرصه نیز از طریق نظرسازی، نظرسنجی و تولید خوراک برای کسانی که براندازی نرم را پیگیری می‌کنند صورت می‌گیرد. بر همین اساس بنگاه سخن‌پراکنی انگلیس بی.بی.سی و شبکه خبری امریکایی سی.ان.ان و یورونیوز، نیویورک تایمز و نیوزویک نمونه‌هایی است که همواره در زمینه جریان‌سازی و تولید خوراک برای جریان‌های انقلاب‌های رنگین فعالیت دارند. برخی مضامین تکراری و تاکیدی در پیام‌های عملیات روانی مخملین عبارتند از:

- * حمله با شأن و جایگاه رهبران عالی‌رتبه کشور هدف و بی‌اعتبار نمودن آن‌ها.
- * بزرگ‌نمایی و اغراق در نارسایی‌ها و نقاط ضعف دولت حاکم (عاصف، ۱۳۸۴: ۱۶۵، ج ۱)
- * تلاش برای دوقطبی کردن جامعه، مردم، مسئولان سیاسی، کارکنان سیاسی، کارکنان ادارات و مراکز دولتی و رودررو قرار دادن آن‌ها به‌منظور ایجاد اختلاف و تشتت.

- * بدنام و نشان کردن، تخریب و فشار بر دستگاه‌ها و نهادهای امنیتی موثر و کارآمد در کنترل بحران از طریق انتشار تصاویر، مشخصات و آدرس افراد و مراکز انتظامی - امنیتی در فضای شبکه‌ای - مجازی به‌ویژه اینترنت و ماهواره.
- * ایجاد شبهه، شایعه و بی‌اعتمادی نسبت به نتایج و ماهیت فعالیت‌های سیاسی به‌ویژه در دوره انتخابات (طرح مسئله تقلب در انتخابات و تأکید بر ابطال آن).
- * تقویت گروه‌ها و سازمان‌های مخالف در کشور هدف و وارد کردن آنان به مقاومت و فشار بر سران کشور هدف.
- * تلاش برای القاء اعمال فشارهای سیاسی بین‌المللی بر واحد سیاسی هدف و فقدان مشروعیت بین‌المللی دولت حاکم.
- * انتشار شائبه اختلاف درون‌سازمانی بین مدیران و فرماندهی امنیتی - اطلاعاتی و تسویه حساب‌های درون تشکیلاتی (طائب، ۱۳۸۸: ۳۶).

کارویژه‌های رسانه در براندازی نرم

با نگاهی به فعالیت رسانه‌ها در مسیر براندازی نرم می‌توان دریافت که کارکرد اصلی رسانه‌ها در حقیقت «عملیات روانی براندازانه» است که در حقیقت «استفاده هدفمند و هوشمندانه هر یک از انواع ارتباطات برای تأثیر بر افکار، احساسات و رفتار تجمعات انسانی به‌منظور دستیابی به تغییر و براندازی نظام سیاسی حاکم» است. با اتکا به این تعریف برخی از مهمترین کارویژه‌های عملیات روانی به منظور بسترسازی برای تحقق براندازی نرم عبارتند از:

۱. رفتار براندازانه: فضای تندروانه سیاسی به‌عنوان یکی از پیش‌زمینه‌های اصلی براندازی نیازمند پشت سر گذاشتن موفقیت‌آمیز تغییر نگرش‌ها و ادراک افراد هدف است. این «استحاله سیاسی» توسط مجریان عملیات روانی صورت می‌پذیرد. به نظر می‌رسد در پی تغییر نگرش، تغییر ادراک، انگیزه‌ها، رفتار و در نهایت تغییر ساختار سیاسی رخ می‌دهد. عملیات روانی در واقع زمانی که به‌عنوان پشتوانه موثر انقلاب رنگی وارد عرصه می‌شود تغییر و دگرگونی سیاسی را به‌صورت هدف و اولویت نخستین خود تعریف و ارائه می‌کند.

عملیات روانی به‌منظور خلق رفتار ساختارشکن تلاش می‌کند اجتناب‌پذیری و ضرورت خشونت را در واکنش‌ها تثبیت نماید. این امر از دو طریق امکان‌پذیر است. نخست اینکه «درگیری و منازعه به‌عنوان بخشی از یک فرآیند همیشگی و مستمر بین نظام سیاسی و مخالفان تصویر می‌شود، دیگر اینکه بر بی‌اثر بودن راه‌حل‌های جایگزین درگیری از جمله مذاکره، تفاهم و حل اختلاف تأکید می‌شود» (ستاد مشترک سپاه، ۱۳۸۴: ۵۳). در چنین وضعیتی چنانچه نظام سیاسی از حمایت مردمی و مشروعیت بین‌المللی ضعیفی برخوردار باشد در برابر فشار و اصرار مخالفان منفعل خواهد شد. در این حالت تلاش‌های دولت حاکم برای جلوگیری از درگیری بی‌اثر بوده و احتمال موفقیت آن نیز کم می‌شود. در نتیجه مردمی که ضرورت رفتار قهرآمیز را پذیرفته‌اند ساده‌تر به سوی خشونت کشیده می‌شوند.

۲. اضطراب‌انگیزی^{۲۵۹}: مجریان عملیات روانی تلاش می‌کنند با برانگیختن مردم به نیات سیاسی توده‌ها نوعی روحیه هیجان‌زده القا کنند که ممکن است لزوماً همراه با آشفتگی نباشد. بر این اساس بانیان و حامیان انقلاب مخملی ضمن تجمع‌سازی در پی آنند تا به‌منظور انگیزش فکر و رفتار عده بی‌شماری از مردم با تلقین و گاه معکوس جلوه دادن موضوعات آن‌ها را تحت نفوذ قرار دهند. مجریان عملیات روانی به‌منظور اثربخشی افزون‌تر مردم‌انگیزی در پی تزریق تحریک و تهییج به درون تجمعات بر می‌آیند. در این حالت، خواسته‌ها و رفتارهای ساختارشکنانه به وفور مطرح می‌شود و تخریب، ارباب، ایجاد ترس و وحشت توسط عناصر هدف صورت می‌گیرد.

عاملان عملیات روانی با تشویق مخالفان به لشکرکشی خیابان و نمایش قدرت حضوری از یک نکته ظریف شناختی و ادراکی بهره می‌برند چرا که وقتی افراد در جمع‌های انبوه قرار می‌گیرند مسائلی را به‌صورت خاص و همسو با جریان غالب می‌بینند و درک

می‌کنند و زمانی که تنها هستند به‌گونه‌ای دیگر؛ این امر ناشی از تاثیر تغییرات نگرشی است که در میان مخالفان موجب اشتراک در هدف شده است (جمالی، ۱۳۸۸: ۳۲-۳۳).

در حقیقت در همه رفتارهای جمعی نوعی عقیده مشترک وجود دارد که شرکت‌کنندگان را برای کنش آماده می‌کند. این عقیده مشترک حاصل همسان‌سازی شناختی مخاطبان با مجریان عملیات روانی و تغییر نگرش آن‌ها در جهت اهداف مجریان است.

اسملر در این زمینه می‌گوید: «برای اینکه ماهیت جماعت و خواسته‌هایشان را بتوان به‌خوبی شناخت ضروری است که پیش از هر چیز به‌طور همه‌جانبه ادراکاتی را که به وسیله‌اش تحریک و تشجیع شده‌اند مورد فهم قرار داد» (اسملر، ۱۳۸۰: ۱۲۱). بر این اساس گردهمایی مخالفان در خیابان‌های مرکزی و میدان‌های اصلی و نمادین پایتخت نمود واقعی مردم‌انگیزی و تجمع‌سازی برای فشار روحی- روانی به حاکمان در راستای براندازی است. از آنجا که در کشورهای قفقاز عمدتاً بحران جانشینی و مشروعیت ملی - بین‌المللی وجود داشته است، نمایش حضور مستقیم مخالفان در متن تحولات از طریق تحسن، تظاهرات و تجمع و درگیری موجب هراس و تزلزل سیاسی حاکمان این کشورها شده بود از این‌رو این الگو در جمهوری اسلامی ایران نیز آزمون شد چرا که به باور غربیان تداوم این وضعیت، قدرت ابتکار عمل را از زمامداران سلب می‌کرد.

۳. نمادگرایی: عمدتاً یکی از روش‌های اثربخشی عملیات روانی انتقال پیام‌ها از طریق نمادها و نشانه‌هاست. بسیاری اوقات جذابیت برخی نشان‌ها قادر است طیفی وسیع‌تر از افراد جامعه هدف را گرد خود جمع کند. از این‌رو در عملیات روانی بر شاخص شدن برخی علائم و رنگ‌ها اصرار می‌شود که آن نیز به زبان نشانه‌ها سخن می‌گوید. میرلو^{۲۶۰} معتقد است:

«تکرار مداوم یک نماد عاطفی توده‌ها را آماده می‌کند تا تحت تاثیر کلمه یا عبارتی شعارگونه و کلیدی قرار گیرند. این کلمه، نشان یا عبارت محرک می‌تواند در زدن جرقه‌ای برای انفجار جمعی خاص حکم یک عامل تسریع‌کننده را داشته باشد» (ابراهیمی خوسفی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

بر این اساس یکی از شاخصه‌های اصلی انقلاب‌های رنگی نمادگرایی است. این نماد می‌تواند فرد، شعار یا رنگی خاص باشد که از یکسو منجر به ایجاد انسجام، هم‌سازی شناختی و وحدت روانی - فکری معترضان شده و از سوی دیگر به وحدت در هدف و آرمان مشترک در راستای تحقق بخشیدن اهداف عاملان انقلاب رنگی می‌انجامد.

نماد یا نشانه مشترک به‌لحاظ روان‌شناسی سیاسی موجب فراگیر شدن جو همگرایی بین افراد اجتماع شده و از آنجا که این سنخ انقلاب‌ها شالوده یا هدف «ایدئولوژیک» یا «عقیدتی- مذهبی» ندارند از رنگ‌ها و نمادهای مسرت‌بخش و مردم‌پسند برای بسیج توده‌ها استفاده می‌شود (جمالی، ۱۳۸۸: ۳۴).

۵. پوشش گسترده رسانه‌ای: پوشش گسترده رسانه‌ای نقش شبکه‌سازی را در کمک به سازماندهی فعالیت‌ها و تقسیم‌کردن روند رویدادها ایفاء نمود. استفاده از رایانه، فیس‌بوک، مای‌اسپیس، ویکیپدیا، یوتیوب، فلیکر، دیگ، لینکدین، تویتر و سایر ابزارهای شبکه‌سازی اجتماعی برای تسهیل گفتگو، بحث و تبادل عقاید و اطلاعات به پدیده‌ای ساخت‌یافته در مقیاس جهانی تبدیل شده است. با این حال فعالیت سایبری و اینترنتی پیرامون اعتراضات اخیر ایران بی‌سابقه بوده و در حالی که دولت و رسانه‌های داخلی سعی در کنترل اوضاع داشتند تبدیل به بحثی جهانی شد (کارافانو، ۱۳۸۹: ۲۵).

۶. بهره‌گیری از ظرفیت‌های خارج کشور: شبکه اجتماعی ایرانیان خارج از کشور احتمالاً یکی از اصلی‌ترین عوامل بهره‌گیری از اینترنت است. سرعت پایین اینترنت، دسترسی محدود به سایت‌ها و اطلاع کم از اخبار داخل کشور و واکنش جامعه بین‌المللی به شرایط ایران باعث شد براندازان برای آسان ساختن بهره‌گیری از این ابزار از فعالین بین‌المللی کمک بخواهند. به‌عنوان نمونه وبلاگ‌ها برای دستیابی به اطلاعات فیلترشده فیلترشکن در اختیار دیگران قرار می‌دادند. سایت «ابتکار ترجمه» برای معترضین ایرانی به ترجمه کتب، اخبار و گزارشات انگلیسی می‌پرداخت و مطلب فارسی و ترجمه‌شده انگلیسی سریعاً برای سایت ویکی‌پدیا فرستاده می‌شد.

وبسایت‌های زیادی به هماهنگی برای زمان و مکان اعتراضات و اعلام اسامی زخمیان، کشته‌شدگان و گم‌شدگان می‌پرداختند. بنا به گفته سایت شبکه امنیت جهانی یکی از شبکه‌های اجتماعی ایجاد شده توسط ایرانیان ۱۰۰ میلیون عضو فیس‌بوک برای دموکراسی در ایران دارد. اطلاعات در مورد انتخابات ایران بسیار سریع در اینترنت قرار می‌گرفت به طوری که موتور جستجوی گوگل برای واژه «اعتراضات انتخابات ایران» در ۲۸ ژوئن بیش از یک میلیون خروجی ارائه داد (کارافانو، ۱۳۸۹: ۲۷) که سهم عمده‌ای از آن توسط ایرانیان خارج کشور صورت گرفت.

استحاله فرهنگی؛ تسریع کننده براندازی نرم

امنیت^{۲۶۱} از نظر لغوی به معنی ایمن بودن، ایمن شدن و در امان بودن است. امنیت ملی برای یک کشور به مفهوم وجود شرایطی است که آن را در مقابل تهدیدات داخلی، خارجی، حوادث طبیعی، مفاسد و آفات اجتماعی محفوظ نگه می‌دارد. در عرصه سیاست و روابط بین‌الملل تهدید^{۲۶۲} هرگونه قصد و نیت حادثه و اقداماتی است که ثبات سیاسی و اقتصادی، منافع حیاتی و امنیت ملی یک کشور را در معرض خطر جدی قرار دهد (اکبری، ۱۳۸۵: ۸) و در براندازی نرم تهدید در مفهوم نرم‌افزارانه مورد توجه قرار می‌گیرد. این شکل تهدید زمانی پدید می‌آید که یک ملت یا کشور احساس کند فرهنگ، نهادها و سیاست‌های آن بر اثر بهره‌گیری دشمنانش از قدرت نرم در حال تغییر و استحاله هستند. این تهدیدها اغلب در ابعاد فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی رخ می‌دهند (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۱) و با توجه به اینکه امنیت ملی از مولفه‌های متعددی از جمله امنیت نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار بوده و کلیتی غیر قابل تفکیک است هرگاه هر یک از مولفه‌های یادشده را خطری تهدید نماید در واقع امنیت ملی تهدید شده است (تهامی، ۱۳۷۶: ۴۴). چرا که هر نظام سیاسی دارای اصول و مبانی است که اگر این اصول تغییر کنند، آن نظام به نظام دیگری تبدیل خواهد شد و دیگر عنوان اولیه برای آن مصداق نخواهد داشت (مرادیان، ۱۳۸۵: ۹۳). از جمله این اصول می‌توان به فرهنگ، ایدئولوژی، هویت ملی و... اشاره نمود. داشتن یک فرهنگ روشن و قدرتمند که همه افراد جامعه به آن معتقد باشند یکی از راه‌هایی است که موجب اجتناب از ناهماهنگی و تعارض در جامعه می‌شود (مرادیان، ۱۳۸۵: ۸۱) و بالعکس فرهنگ وارداتی یا استحاله فرهنگ خودی باعث ناهماهنگی و تعارض و تقویت این تعارض با اقداماتی که رسانه‌ها در حوزه براندازی نرم صورت می‌دهند در نهایت براندازی نظام را در پی خواهد داشت. از این‌رو تهاجم فرهنگی برای استحاله فرهنگ ایرانی و اسلامی در حقیقت تضعیف امنیت ملی خواهد بود. اما ابعاد اثرگذاری تهاجم فرهنگی در نهایی‌ترین شکل ناامنی در ج.ا.ایران (براندازی نرم) چگونه خواهد بود؟

الف) ارتباط آزاد با جنس مخالف؛ عامل جذب به گروه‌های اجتماعی: آنچه در برنامه‌های فرهنگی رسانه‌های غرب کاملاً مشهود است تبلیغ سبک زندگی غربی است که نمود بارز آن ارتباط آزاد جنس مخالف است. اما برقراری ارتباط آزاد بین جوانان در چه بخشی از براندازی نرم قابل بهره‌برداری است؟ گروه‌های اجتماعی و نیاز به جذب جوانان برای شرکت در این گروه‌ها موضوع قابل بهره‌برداری در براندازی نرم خواهد بود. بدون شک تسهیل ارتباط با جنس مخالف یکی از گرایش‌های اصلی جوانان و ایجاد گروه‌های اجتماعی خواهد بود که در کشور ما یکی از آسیب‌های اجتماعی نیز هست.

ب) تضعیف عملگرایی دین برای نامشروع جلوه دادن برخورد با براندازان: با نگاهی اجمالی به تعالیم دین اسلام این نکته آشکار می‌شود که بین جنبه درونی اعتقادات و مظاهر بیرونی یا به فعل درآمدن آن هیچ فاصله‌ای متصور نیست. ایمان راستین تنها عبارت از یک ادراک ذهنی یا تصدیق قلبی بدون تاثیر عملی در زندگی نبوده بلکه ایمان عبارت از اعتقاد، عمل و اخلاص است. علمای کلام و جدل در مسایل اعتقادی، هرچند که درباره مفهوم ایمان و رابطه‌اش با عمل بر مقتضای ایمان اختلاف نظر داشته باشند که آیا عمل جزئی از مفهوم ایمان یا شرط ایمان یا ثمره‌ای از ثمرات آن است، بر اینکه عمل جزء جدا نشدنی ایمان کامل است اتفاق نظر دارند (قرضاوی، ۱۳۷۴: ۴۶۰) از این رو در کنار هرکدام از تعالیم درونی و فکری دین دستوری هم درباره به عمل در آوردن آن در جنبه اجتماعی وجود دارد. در جامعه اسلامی دین چنان قدرتی دارد که اگر در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های

کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نظام اسلامی لحاظ شود، موجب استحکام و تکامل روزافزون جامعه و حرکت به سمت تعالی و قسط خواهد بود (اردستانی، ۱۳۷۳: ۱۳۹) یکی از این برنامه‌ریزی‌ها، برنامه‌ریزی برای مقابله با تهدیدات امنیت ملی و به‌ویژه براندازی است. تضعیف عملگرایی دین که در برنامه‌های غربی کاملاً مشهود بوده و کم‌کم به‌عنوان راهبرد غرب در کشورهای اسلامی خودنمایی می‌کند جانفشانی برای مقابله با براندازی که تمام مقدسات نظام اسلامی را زیر سؤال می‌برد بی‌ارزش نموده و مردم را به عبور بی‌توجه از کنار این بی‌احترامی‌ها همچون بی‌حرمتی به عاشورا ترغیب می‌کند هرچند قدرت نرم ج.ا.ایران این ترفند رسانه‌های غرب را ناکام گذاشت.

ج) ناسازگاری هنجاری بین جوانان و تسهیل پذیرش ارزش‌های جدید: به استناد تاریخ انقلاب اسلامی پایدارترین نوع امنیت ملی آن است که سازگاری هنجاری افراد و احساس همدلی و یکرنگی هر چه بیشتر آنان نسبت به یکدیگر استوار شده باشد. بدیهی است اتخاذ راهکارهایی که به تقویت و گسترش روزافزون این احساس کمک رساند به‌طور قطع به همان میزان ضریب امنیتی جامعه را نیز افزایش می‌دهد (عطارزاده، ۱۳۸۵: ۳۱) و بالعکس مولفه‌هایی که هنجارهای متفاوتی در جامعه تلقین کند ضریب امنیتی جامعه را کاهش خواهند داد. به‌عنوان مثال تلقین ارزش‌هایی به مخاطبین که با ارزش‌های حاکم بر جامعه در تضاد است باعث ناسازگاری هنجاری شده و از طرفی پذیرش ارزش‌های جدید که برای براندازی نرم بسیار مورد نیاز است را تسهیل می‌کند، بخش گسترده‌ای از این ناسازگاری در بخش اجتماعی و در قالب آسیب‌های اجتماعی صورت می‌گیرد.

د) تعریف جدید مفهوم آزادی؛ شعار اصلی براندازی نرم: تمام براندازی‌های نرم با وجود تفاوت‌هایشان اشتراک نیز دارند. تمام آن‌ها با شعارهای دموکراسی‌خواهی و آزادی آغاز شده‌اند و همگی از درون بازی‌های سیاسی-امنیتی راهبردی قدرت‌ها و رقابت آن‌ها بر سر مناطق ژئوپلیتیک دنیا متولد شده‌اند (جمالی، ۱۳۸۸: ۲۸). اما آزادی و مولفه‌های آن کدامست؟ چه ابزاری آزادی، این مفهوم چندوجهی، را تعریف کرده‌اند که اکنون در فعالیت‌های براندازی نرم نیاز به آن باعث به میدان آمدن گروه‌های اجتماعی شود؟ بدون شک برنامه‌های فرهنگی غرب با تعریفی که از مفهوم آزادی ارائه داده‌اند نقش مهمی در این ذهنیت داشته‌اند. تعریفی که در آن آزادی به معنی گفتن، دیدن و انجام دادن هر آنچه است که فرد می‌خواهد و بعضاً بدون توجه به آثار زیانبار اجتماعی آن. این مفهوم آزادی است که فرد در فعالیت‌های براندازانه تمام آنچه می‌خواهد را به معنی آزادی می‌داند.

ه) شاخص‌سازی تحجر؛ ابزار زیر سؤال بردن دولت: خبرنگار سابق بی.بی.سی مؤلفه سوم انقلاب‌های رنگین را دوقطبی ساختن جامعه عنوان کرده و در این زمینه توضیح می‌دهد: «رسانه‌های غربی در آستانه هر انقلاب رنگین تلاش می‌کنند جریان حاکم را به‌عنوان جریان سنتی، متحجر و ناکارآمد و غیردموکراتیک و در مقابل آن جریان غرب‌گرا را جریان مدرن، کارآمد، دموکراتیک، اصلاح‌طلب و متعلق به توده‌ها معرفی کنند.» (نائینی، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۶). با بررسی فیلم‌های سینمایی ساخته شده در هالیوود می‌توان به این شاخص‌سازی پی برد. معرفی چهره‌های مذهبی و نمادهای مذهبی به‌عنوان نماد خشونت و تحجر چند دهه است در دستور کار برنامه‌سازان غربی قرار داشته است. تصویر مردان با محاسن به‌عنوان افراد تروریست، معرفی افراد متدین به عنوان مخالفین برقراری ارتباطات عاطفی، معرفی پدران مقید به عنوان افرادی ظالم، و بی‌بند و باری به‌عنوان حق‌زن در عصر کنونی... از مواردی است که ترسیم مفاهیم سنتی، متحجر و غیردموکراتیک را در ذهن تسهیل می‌کند که در کنار این تاثیر آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق، روسپیگری، دختران فراری و... را نیز دامن می‌زند.

و) تضعیف هویت ملی با تضعیف ارزش‌های ملی: کشوری که نتواند هویت ملی موثری را سازماندهی نماید، در برابر تهدیدات خارجی و موج‌های گریز از مرکز داخلی با چالش‌های جدی رو به رو می‌شود (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۷: ۱۷) و از آنجایی که براندازی نرم با حمایت مستقیم کشورهای بیگانه برنامه‌ریزی می‌شود تضعیف هویت ملی از برنامه‌های اصلی غرب محسوب می‌شود. این هدف با استفاده از برنامه‌های مختلف تصویری صورت می‌گیرد. یکی از این برنامه‌ها تبلیغ گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی همچون رپ، هوی‌متال و در سال‌های اخیر گروه‌های مختلف باصطلاح مذهبی همچون شیطان پرستان و دیگر گروه‌ها است که با مصرف انواع مخدرها و اشکال مختلف تجاوز جنسی همراه بوده و بعضاً مانع از بازگشت دختران به دامان خانواده می‌شود. از سوی دیگر برخی شبکه‌های تلویزیونی به‌صورت ۲۴ ساعته به تبلیغ دیگر ادیان همچون مسیحیت می‌پردازند که با حمایت مالی در داخل

کشور از این افراد منحرف حلقه تغییر دین تکمیل می‌شود. از دیگر برنامه‌های فرهنگی غرب برای تضعیف هویت ملی تحریف تاریخ کشور ماست که بعضاً با تولید فیلم‌هایی چون ۳۰۰ در پی آن هستند و شاید حساسترین و مهمترین ابزاری که از آن بهره می‌گیرند بازی‌های رایانه‌ای است که به‌صورت هدفمند خوراک فکری نوجوانان را تامین می‌کنند و ارزش‌های غربی را در ذهن آنان ترسیم می‌کنند.

در نهایت اینکه تهدید علیه اسلامی ماندن انقلاب با استفاده از تهاجم فرهنگی یا استحاله فرهنگی هدف نهایی غرب با هر ابزاری چون تلویزیون‌های ماهواره‌ای و با هر اقدامی چون تشدید آسیب‌های اجتماعی است به‌طوری‌مقام معظم رهبری در صفحه ۱۰۹ کتاب حدیث ولایت (جلد هفتم) به زیبایی به تهدید ایدئولوژی اسلامی اشاره می‌کنند: «تهدید علیه اسلامی نگاه داشتن انقلاب از جمله تهدیدات دائمی است که با استفاده از شیوه‌های مختلف مانند استحاله کردن و یا حذف فیزیکی عملی می‌گردد» (گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۷۲). اما این تهدیدات با آسیب‌پذیری‌های داخلی و انعکاس رسانه‌ای آن نیز مرتبط است چرا که هر تصویری که رسانه از تلاش‌های انجام شده ارائه داده و موجب بی‌اعتمادی مردم نسبت به نظام گردد در نهایت بر باورها و عقاید جامعه اثر گذاشته و می‌تواند در رویگردانی مردم از ارزش‌ها و باورهای اجتماعی نقش ایفا کند (مرادیان، ۱۳۸۵: ۸۰). از این‌رو رسانه‌های غربی از تاکتیک‌های مختلفی برای جذب مخاطب استفاده می‌کند تا با کمترین مقاومتی این بی‌اعتمادی را تلقین کنند.

تاکتیک‌های جذب مخاطب توسط رسانه‌ها

رسانه‌های مختلف غربی از روش‌های متنوعی برای جذب مخاطب بهره می‌گیرند اما اصلی که همه آنها معتقد به رعایت آن هستند این است که برای موثر واقع شدن تبلیغات باید فکر و جدل را کاهش داد و به طور ناخودآگاه بر فرد تأثیر گذارد و فرد نباید متوجه شود نیرویی از خارج او را هدایت می‌کند (احمد رشتی، ۱۳۸۳: ۵۹۷). این رسانه‌ها از روش‌های مختلفی برای جذب مخاطب بهره می‌گیرند که تعدادی از آنها به شرح زیر است:

الف) استفاده از موسیقی برای جذب جوانان: نکته بسیار مهم در برنامه‌های رادیو فردا استفاده از موسیقی برای جذب گروه ویژه‌ای از مخاطبان است. در رادیو فردا همراه برنامه‌ها و به میزانی بیش از آن‌ها برگزیده‌ای از موسیقی پاپ ایرانی و غربی پخش می‌شود. دیدگاه رادیو فردا به موسیقی دیدگاهی عامه‌پسند است و بیشترین وقت خود را در طول شبانه‌روز به پخش ترانه اختصاص داده است. دیوید فینکل طی مقاله‌ای در واشنگتن پست در تاریخ پنجم ژوئن ۲۰۰۶ با عنوان «ایستگاه رادیویی ایالات متحده می‌خواهد در ایران شنیده شود: رادیو فردا با حجم سبک اخبار و حجم سنگین موسیقی پاپ در پی جذب شنوندگان زیر سی سال در ایران است» به این موضوع اشاره کرد که ترفند این رادیو جذب مخاطبان زیر سی سال در ایران است و با استفاده از موسیقی می‌خواهد آنان را به پیگیری برنامه‌های مختلف خود ترغیب نماید (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۴).

ب) القاء بحران: شبکه تلویزیونی سی.ان.ان تلاش می‌کند که بحران و فاجعه را همچون اطلاعات جاری در معرض دید مردم قرار دهد و با نیازآفرینی و درعین حال فشرده‌گی زمان، مردم را وادار کند که دائماً در فکر راه‌حلی برای خروج از بحران یا فاجعه باشند. بنابراین اگر اخبار پیرامون بحران و فاجعه در زمینه‌های سیاسی و جنگ باشد می‌توان دریافت که چقدر می‌تواند برای مردم مهم باشد. سی.ان.ان تلاش می‌کند بسیاری از اخبار و اطلاعات روزمره را با فشرده‌گی زمانی همچون اخبار بحرانی و فاجعه‌آمیز در تصویر تلویزیونی به نمایش گذارد و این مهم همان تأثیر سی.ان.ان تلقی می‌شود که «ماری آن دوان»^{۲۶۳} آن را عوام‌فریبی سی.ان.ان می‌نامد.

وی چارچوبی را در قالب نظریه سی.ان.ان و تلویزیون مطرح می‌نماید که در آن از اطلاعات، بحران و فاجعه بحث می‌کند. مجموع این سه عنصر معرف سی.ان.ان و زیباشناسی خاص‌گونه برنامه‌سازی «صرفاً خبری» آن است. در این نظریه منظور از تأثیر سی.ان.ان عبارت است از نشان دادن این موضوع که منازعات (بین‌المللی) همواره وجود دارند و ویژگی بارز تلویزیون نمایش این منازعات و استفاده و سوءاستفاده سیاست‌سازان از آن است.

از نظر دوان، اطلاعات توصیف پیوسته رویدادهایی است که ارزش خبری دارند و تلویزیون همواره نهایت استفاده از اطلاعات را برای پرکردن وقت می‌کند. بر خلاف اطلاعات که در پهنه زمانی بی‌انتها طرح می‌شود، بحران رویدادی دنباله‌دار با مدت زمان معلوم و معین است که راه‌حلی را در چارچوب زمانی مشخص طلب می‌کند و فاجعه به‌عنوان سومین موضوع سی‌ان‌ان زمانی از نوع «آنی، فوری، لحظه‌ای و منقطع» را می‌طلبد. فاجعه کاملاً ناگهانی اتفاق می‌افتد و بسیار نگران‌کننده است (دعاگویان، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

ج) کپسول‌های فشرده خبر و تحلیل: تلویزیون بی.بی.سی فارسی با اتکا به تجربه دیرپای رادیو بی.بی.سی در تهیه و تولید خبر و تحلیل بسیار حرفه‌ای عمل می‌کند. خبرها و تحلیل‌های این رسانه کوتاه، دقیق و بدون حاشیه‌پردازی و ابهام است زیرا از مخاطب خود توقع فکر کردن ندارد و تنها می‌خواهد که بیننده هر آنچه را که می‌بیند و می‌شنود حتی به‌طور موقت بپذیرد. این «کپسول‌های فشرده» خبر و تحلیل به‌طور مداوم به مخاطب خورنده می‌شوند و هر یک بدون آنکه در پی گشودن گرهی یا استدلال بی‌نقصی از وقایع و رویدادها باشند بسادگی حامل مضامینی هستند که در میان‌مدت و درازمدت به ذهنیت مخاطب شکل مطلوب و مورد نظر برنامه‌سازان و مدیران جنگ تبلیغاتی را تحمیل می‌کنند.

تمام گویندگان این تلویزیون علاوه بر جذابیت ظاهری، در لحن و گفتار بسیار با اعتماد به نفس صحبت می‌کنند تا مخاطب خود را مشتاق و تشنه شنیدن خبر و نظر است تحت تاثیر قرار دهند. همچنین در ارائه خبرها و تحلیل‌ها از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی داخل کشور استفاده هدفمند می‌شود و جملات آن‌ها تقطیع و لابه‌لای خبر یا تفسیر تعبیه شده و به مخاطب چنین القا می‌شود که آنچه تلویزیون بی.بی.سی پخش می‌کند در واقع نظرات یک شخصیت است و نه نظر بی.بی.سی که وابسته به دولت بریتانیاست. این ترفندهای ساده برای این رسانه بسیار کارساز بوده است به‌طوری که مخاطبان آن نسبت به رسانه‌های مشابه مانند تلویزیون صدای آمریکا بیشتر است (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۷).



نتیجه گیری

استفاده از رسانه‌ها برای پیگیری سیاست خارجی از جمله روش‌های غرب و به خصوص آمریکا در طول تاریخ بوده است به طوری که نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان در جنگ جهانی دوم، جنگ عراق و ... مشاهده نمود که رادپوها و برگه‌های اعلامیه به کمک غرب آمده و با ترفندهای جنگ روانی موفقیت آمریکا و غرب را کم هزینه‌تر نموده‌اند. اما توسعه فناوری باعث استفاده گسترده‌تر از رسانه‌هایی شد که توان تبلیغاتی و اثرگذاری بیشتری داشتند و گردانندگان آن می‌توانستند با ارتباط چندگانه بر مخاطب ساده‌تر به اهداف نائل گردند. در این میان رسانه‌های تصویری همچون سایت‌های اینترنتی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای بیشترین اثرگذاری را داشته و از آنجایی که استفاده از تلویزیون ساده‌تر و عمومی‌تر بود بیشتر مورد توجه قرار گرفت. ولی بهره‌گیری از رسانه‌ها در حوزه امنیتی برای براندازی نرم که با تغییر تفکر و عقیده ملت‌ها صورت می‌گیرد به سرعت امکان‌پذیر نبود از این رو زمینه‌سازی برای استحاله فرهنگ و تفکر که نیاز به زمانی طولانی‌تر بدون آشکار بودن متولیان آن داشت با استفاده از برنامه‌های فرهنگی در قالب تهاجم فرهنگی آغاز و مفاهیمی چون آزادی، تحجر، سنتی بودن، ارزش‌های دموکراتیک و بی‌ارزشی نمادهای دینی که آسیب‌های اجتماعی بسیاری همچون روسپیگری، افزایش آمار طلاق، ارتباطات جنسی نامتعارف، دختران خیابانی و... را نیز برای جامعه در پی داشت، برای مخاطبین شاخص‌سازی شد تا در زمان نیاز (براندازی نرم) با زیرسؤال بردن ارزش‌ها و تضعیف ارزش‌های دینی و متهم کردن مسئولین نظام به افرادی متحجر، سنتی و مخالف آزادی زمینه انشقاق بین مردم و نظام را فراهم نموده و به اهداف خود نائل گردند.

اما رسانه‌های تصویری غربی از تاکتیک‌های مختلفی برای اثربخشی بیشتر استفاده می‌کنند؛ یکی از این راه‌ها بهره‌گیری از چهره‌های جذاب به عنوان مجریان برنامه‌های تصویری در کنار پخش انواع موسیقی برای جذب جوانان است. برخی از این شبکه‌ها هزینه زیادی صرف تعامل با مخاطبان می‌کنند تا به عنوان یک رسانه تعاملی اثر بیشتری بر مخاطبان داشته باشند مثلاً در شبکه «کلیک» برنامه‌ای فقط با هدف تعامل با مخاطبان و حدس زدن یک کلمه و اهدا جوایز به مخاطبان طراحی می‌شود یا برنامه‌هایی که با رای مخاطبان به ارزیابی شرکت کنندگان در یک مسابقه می‌پردازند.

از راه‌های دیگری که غرب برای اثربخشی بیشتر رسانه‌های تصویری استفاده می‌کند راه‌اندازی شبکه‌های خانوادگی و القاء فرهنگ غرب در قالب سریال‌های تلویزیونی است که در آن‌ها ارزش‌های ایرانی اسلامی زیر سؤال می‌رود؛ برنامه‌های شبکه‌هایی چون FARSII که پس از اعمال محدودیت برای این شبکه، دیگر شبکه‌ها چون pmc شبکه‌ای برای پخش این سریال‌ها اختصاص دادند و عناوین خانوادگی را برای آن‌ها برگزیدند (PMC family) که هدفی جز بی‌قید و بندی در ارتباطات خانوادگی و تضعیف پیوند خانواده، این رکن اساسی تربیت فرهنگ دینی، ندارند.

اما در کنار این برنامه‌ها بیشتر شبکه‌های تلویزیونی از ابزارهای ارتباطی با مخاطبان استفاده می‌کنند که به عنوان ابزارهای ارتباطی بین شبکه‌های اجتماعی در براندازی نرم مورد استفاده قرار گرفته و حتی در کشورهایی چون ایالات متحده هم ارتباط از طریق آن مجاز نیست. این ابزار Face book است که شبکه‌هایی چون manoto در برنامه‌های خود مخاطبان را به استفاده از آن تشویق می‌کنند.

نتیجه اینکه استفاده از شبکه‌های تلویزیونی که با هدف تهاجم فرهنگی به باورهای فرهنگی مذهبی کشورهای مسلمان به‌ویژه ج.ا.ایران ایجاد شده‌اند، تبعات اجتماعی فراوانی برای جامعه اسلامی داشته و آسیب‌های اجتماعی را تشدید می‌کنند و به صورت هدفمند نقش ابزارهای ابتدایی را در حوزه امنیتی برای فعالیت‌های براندازانه غرب ایفا می‌کنند، از این رو با توجه به مطالب پیش گفته پیشنهادت زیر در راستای کاهش اثرات اجتماعی، فرهنگی و امنیتی رسانه‌های غربی بسیار موثر خواهد بود:

۱. تدوین برنامه طولانی مدت فرهنگی- اجتماعی با محوریت خانواده با شاخص‌های معین و ملزم کردن همه دولت‌ها به پیگیری آن

۲. ترسیم عملکرد چندمنظوره برای اماکن مذهبی همچون مساجد و پیوند دادن آنان با مدارس و حتی برگزاری برخی کلاس‌ها در مساجد و مستحکم‌تر کردن ارتباط فرهنگ اسلامی و باورهای اجتماعی

۳. بازتعریف فرهنگ اسلامی متناسب با نیازهای روز جوانان پس از بررسی و شناسایی دلایل گرایش جوانان به برنامه‌های فرهنگی غرب در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی
۴. مطالعه نظام‌مند فرهنگ اسلامی و فرهنگ غرب در دانشگاه‌ها و شناسایی نقاط برتری فرهنگ ایرانی اسلامی
۵. برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های فرهنگی با استفاده از فناوری‌های نوین و تلاش برای طراحی اینترنت ملی
۶. سیاستگذاری مناسب برای تولید برنامه‌های سینمایی و تلویزیونی با تاکید بر تحمل‌گرایی به جای تجمل‌گرایی و تبلیغ مبانی اجتماعی و فرهنگی دین
۷. کاهش هزینه‌های محصولات فرهنگی- اجتماعی داخلی و در نظر گرفتن مجازات‌های سنگین برای افرادی که مواد اعتیادآور، محصولات غیرمجاز فرهنگی و... را وارد یا در داخل تولید می‌کنند.
۸. نمایش مشکلات اجتماعی غرب به خاطر فرهنگ لیبرالیستی و مشکلات روانی و فکری آن



منابع

۱. آرکلیگ، استوارت. (۱۳۷۹). چارچوب‌های قدرت، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. اصغر افتخاری و علی اکبر کمالی. (۱۳۷۷). رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی (چاپ اول). تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی_ گروه انتشارات
۳. اسمیت، آنتونی. (۱۳۶۴). ژئوپولیتیک اطلاعات، تهران: سروش
۴. اکسفورد، بری و هاگینز، ریچارد. (۱۳۸۷). رسانه‌های جدید و سیاست، ترجمه: بابک دربیکی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۵. احمدرشتی، جیهان. (۱۳۸۳). تبلیغات در رسانه‌های ارتباط جمعی (۲)، ترجمه: عبدالجلیل شری زاده، قم: ندای دوست.
۶. اردستانی، حسین. (۱۳۷۳). «برخی ارزش‌ها و ثمرات جنگ تحمیلی» مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، صص ۱۱۷-۱۴۱، تهران: دافوس سپاه.
۷. ابراهیمی خوسفی، منصور و بای، نادعلی و صدوقی، مرادعلی. (۱۳۸۶). جنگ نرم ۴: عملیات روانی و فریب استراتژیک (چاپ اول)، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران
۸. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۵). «گفتگو: قدرت نرم انقلاب اسلامی»، فصلنامه بسیج، شماره ۳۲، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۹. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۷). «چهره قدرت نرم، قدرت نرم معنا و مفهوم»، فصلنامه بسیج، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۱۰. اینگیس، فرد. (۱۳۸۶). فرهنگ، ترجمه: محمود ارغوان، تهران: مرکز ملی مطالعات جهانی شدن
۱۱. بابایی، محمدباقر. (۱۳۸۸). «جایگاه مؤلفه نظامی در قدرت ملی از دیدگاه امام علی (ع)»، فصلنامه مطالعات دفاعی امنیتی. سال شانزدهم. شماره ۵۴ و ۵۵. بهار و تابستان، تهران: دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس) - دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۲. تهامی، سیدمجتبی. (۱۳۷۶). امنیت ملی؛ دکترین و سیاست‌های دفاعی و امنیتی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۳. جمالی، جواد. (تابستان ۱۳۸۸). «تحلیل عملیات روانی در بستر انقلاب‌های رنگی»، فصلنامه علمی-تخصصی عملیات روانی، شماره دوم، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۱۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، «بصیرت پاسداری»، تهران: اداره سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۱۵. حافظ‌نیا، محمدرضا و دیگران. (۱۳۸۲). تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۱۶. حکیم‌آرا، محمدعلی. (۱۳۸۴). ارتباطات متقاعدگرانه و تبلیغ، تهران: سمت.
۱۷. دعاگویان، داود. (تابستان ۱۳۸۸). «نقش تلویزیون جهانی در دیپلماسی رسانه‌ای و سیاست خارجی»، فصلنامه علمی-تخصصی عملیات روانی، شماره دوم، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).

۱۸. دانشگاه امام حسین(ع). (۱۳۸۹). «نبرد اینترنتی؛ برگرفته از سایت گرداب»، اندلس (نشریه علمی - فرهنگی) سال اول، شماره اول، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۹. دانسی، مارسل. (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی رسانه‌ها، ترجمه: گودرز میرانی و بهزاد دوران، تهران: چاپار.
۲۰. درکی، فاطمه و غلامپور، زهرا. (۱۳۸۵). «نقش دانشگاه در ترویج ایثار و جهاد و شهادت»، مجموعه مقالات برگزیده همایش دانشگاه و دفاع مقدس (چاپ دوم)، صص ۳۱۹-۳۲۲، تهران: سخن گستر.
۲۱. دور، امه. (۱۳۷۴). تلویزیون و کودکان، ترجمه: علی رستمی، تهران: سروش.
۲۲. روشندل، جلیل. (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین (سمت).
۲۳. ره‌پیک، حسن. (۱۳۸۱). «حقوق امنیتی، کنترل اجتماعی و رسانه‌ها» مندرج در: رسانه‌ها و ثبات سیاسی، صص ۲۴۱ - ۲۶۲، جمعی از نویسندگان (به کوشش)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۴. رزاقی، احمد. (۱۳۷۷). جایگاه تبلیغات در جهان امروز، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۵. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (چاپ دوم). تهران: ندای آریانا.
۲۶. ستوده، هدایت‌الله و بهاری، سیف‌الله. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی خانواده، تهران: ندای آریانا
۲۷. سلیمانی پورلک، فاطمه. (۱۳۸۶). ایران و امریکا؛ در بستر تعاملات نرم‌افزاری قدرت و امنیت، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی
۲۸. شاهدی، سعید. (۱۳۸۹). «تابستان گرم»، اندلس (نشریه علمی - فرهنگی) سال اول، شماره اول، تهران: دانشگاه جامع امام حسین(ع).
۲۹. ضیایی پرور، حمید. (۱۳۸۷). جنگ نرم ۲؛ جنگ رسانه ای (چاپ سوم)، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران
۳۰. عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست، تهران: نی.
۳۱. عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۶). جنگ نرم ۳؛ نبرد در عصر اطلاعات، تهران: موسسه ابرار معاصر.
۳۲. عبداللهی، محمد. (۱۳۸۷). «آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران. خرداد ۱۳۸۱ (چاپ دوم)، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه
۳۳. عطارزاده، مجتبی. (۱۳۸۵). «بسیج ترجمان آرمان‌های دفاعی امام خمینی(ره) در پاسداشت امنیت ملی»، مجموعه مقالات علمی کنگره سرداران، امیران، فرماندهان و ۸۰۰۰ شهید استان همدان، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
۳۴. فرهادی، محمد و مرادیان، محسن. (۱۳۸۷). «درک قدرت نرم»، فصلنامه بسیج، جلد ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۳۵. قرضاوی، یوسف. (۱۳۷۴). نقش ایمان در زندگی (چاپ دوم)، ترجمه: فرزانه غفاری و محسن ناصری، تهران: احسان
۳۶. کارافانو، جیمز. (۱۳۸۹). «چگونه شبکه‌سازی اجتماعی به اعتراضات پس از انتخابات ایران شکل داد»، مترجم: قربانعلی محبوبی، اندلس (نشریه علمی - فرهنگی) سال اول، شماره اول، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۳۷. کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۳). روابط بین‌الملل در تئوری و عمل (چاپ دوم)، تهران: قومس.
۳۸. کوثری، مسعود. (۱۳۸۷). اینترنت و آسیب‌های اجتماعی، تهران: سلمان.
۳۹. گروه مطالعاتی امنیت. (۱۳۸۷). نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران (چاپ اول)، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
۴۰. گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی. (۱۳۸۸). تهدید نرم و راهبردهای مقابله، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

۴۱. گلشن پژوه، محمودرضا. (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۴۲. محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۸۷). ریشه‌های فرهنگی ارتباط در ایران، تهران: چاپار.
۴۳. محمدی، مسعود. (۱۳۸۹). ارزیابی و تحلیل عملیات رسانه‌ای غرب علیه جمهوری اسلامی، مروری بر بی.بی.سی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
۴۴. محمدی، مسعود. (ب.۱۳۸۹). ارزیابی و تحلیل عملیات رسانه‌ای غرب علیه جمهوری اسلامی، مروری بر رادیو فردا، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
۴۵. مرادیان، محسن. (۱۳۸۵). ابعاد و مظاهر تهدیدات، تهران: انتشارات مرکز آموزش شهید سپهبد صیاد شیرازی
۴۶. میری آشتیانی، الهام. (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران، تهران: فرهنگ گفتمان
۴۷. نائینی، علی محمد. (۱۳۸۸). «بررسی ماهیت، ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدهای نرم غرب علیه ج.ا.ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هفتم، تهران: مرکز مطالعات راهبرد دفاعی.
۴۸. نائینی، علی محمد. (تابستان ۱۳۸۸). «مقدمه‌ای بر روش‌شناسی انقلاب‌های رنگی»، فصلنامه علمی-تخصصی عملیات روانی، شماره دوم، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۴۹. نای، جوزف. (۱۳۸۷). رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه و الهام شوشتری‌زاده، تهران: ابرار معاصر.
۵۰. نای، جوزف. (۱۳۸۳). «کاربرد قدرت نرم»، ترجمه سیدرضا میرطاهر، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره ۶. تهران: مرکز مطالعات راهبرد دفاعی.

*****سرویسری*****